

حل مسائل زناشویی

SOLVING MARRIAGE PROBLEMS

راه حل های کتاب مقدس
برای مشاوران کلیسا

**Biblical Solutions for
Christian Counselors**

مؤلف : جی آدامز (Jay Adams)
مترجم : شاهرخ صفوی

پیشگفتار نویسنده کتاب

سال های نه چندان دوری بود که پیامبران شوم جهان خیر مرگ کانون ازدواج را برای ما میآوردند. با ظهور زندگی گروهی و اشتراکی، ازدواج های بی قید و شرط، و قرار داد های ازدواج قابل فسخ به عنوان سبک مدرن و ”متمدن“ زندگی، آینده زندگی زناشویی به نحوی که در طول تاریخ ”سنتی“ گردیده بود را غیر قابل دوام میدانستند.

اما با وجود پیش بینی های هولناک این افراد، نه تنها ازواج ها دوام یافته است، بلکه ازدواج های مسیحیان قوی تر از هر زمان گردیده اند. در نتیجه چنین حملاتی به جانب ازدواج، تعلیمات و موعات بیشتری در خصوص ازدواج ایجاد شده، کتاب های بیشتری نوشته شده، و علاقه زیادی به کسب ”فن مشاوره ای ازدواج در کلیسا“ به وجود آمده است.

پیشگفتار مترجم

این کتاب شامل ۸۰ صفحه می باشد و در نتیجه نمی توان آن را به صورت یک فایل منتشر ساخت. با انتشار جداگانه هر فصل، چاپ آن برای شما سریع تر خواهد بود.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب ”مقاضی“ نامیده شده، و شخص مشاور نیز ”مشاور“ نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فهرست مطالب

فصل اول: ازدواج نیاز به مشاوره مسیحی دارد	
فصل دوم: ازدواج شخص مشاور	
فصل سوم: چه باعث مسائل زناشویی می شود؟	
فصل چهارم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش اول	
فصل پنجم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش دوم	
فصل ششم: ترکیبات گناه در زندگی : انواع عمومی	
فصل هفتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی: بخش اول	
فصل هشتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی : بخش دوم	
فصل نهم: اهمیت روابط با دیگران	
فصل دهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش اول	
فصل یازدهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش دوم	
فصل دوازدهم: نفوذ های معمول اجتماعی	
فصل سیزدهم: چگونه می توان مسائل زندگی زناشویی را شناسائی کرد	
فصل چهاردهم: خیال ها و راه حل های باطل	
فصل پانزدهم: مقاصد اساسی در مشاوره ازدواج	
فصل شانزدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش اول - زنان	
فصل هفدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش دوم - شوهران	
خلاصه مطالب	

فصل دوازدهم

نفوذ های معمول اجتماعی

در خصوص نفوذهائی که مشاوران ازدواج باید با آن ها آشنا باشند نباید نفوذهای معمول اجتماعی را نادیده گرفت.

البته در آغاز باید یک موضوع مهم را بگویم، اجتماع به خودی خود نمی تواند نفوذی بر زندگی زناشویی شخصی بگذارد مگر او اجازه به آن داده باشد. فرهنگ نیست که او را قربانی می کند؛ او خود را با تمایل به وسوسه های اجتماعی قربانی می کند. باید شناخت که امکان دارد در دنیا بود بدون آنکه مال آن بود (یوحنا ۱۵: ۱۹). در نتیجه لازم نیست و نباید زندگی زناشویی را بر حسب نفوذ فرهنگ موجود ساخت.

حال که این موضوع مهم روشن شد، می توانیم به نفوذی که اجتماع بر زندگی زناشویی دارد رسیدگی کنیم.

ضعف کلیسا

ممکن است ضعف کلیسا را جزء مسائل اجتماعی نه شمرده باشید. دلیلی برای آن هست. کلیسا به حدی ضعیف می باشد که آن را جزئی از قوای اجتماعی نمی شناسیم. تأثیر آن بر اجتماع تقریباً صفر است. در میان افکار اعضای آن، چاره عملی مغایله با نفوذهای اجتماع نمی بینیم. در این حد است که خود قسمتی از مسئله می باشد.

اگر بخواهیم راجع به تاریخ کلیسا در دو دهه اخیر، چیزی بنویسیم باید دو موضع را در نظر بگیریم: (۱) برکات خدا در نجات بسیاری و افزایش منابع کلیسا هائی که کاملاً به کلام خدا ایمان دارند؛ (۲) تمایل کلیسا به مکتب التقاطی بخاطر بدست آوردن پذیرش دنیا.

تمایل به اختلاط کلیسا را در همه شعبات آن می توان دید، نه تنها در خدمت مشاوره. در طرق تعالیم مدارس مسیحی، در خط مشی ترجمه کتاب، در طرق اداره کلیسا، و غیره. با وجود رشد بی سابقه تعداد اعضای و منابع کلیسا، او ضعیف مانده چون با بسیاری از راه و روش ها، ارزش ها، و راه حل های دنیا اقتباس کرده است. کلیسا آن قدرت برنده ای که توانائی برش محصولات این دنیا را داشت و چاره کلام خدا را بر کرسی می نشاند را از دست داد. وضع به حدی آسفناک شده که آن کسانی که می خواهند کاملاً بر طبق کلام خدا رفتار کنند را خود کلیسا افراطی نام برده است!

در نتیجه کلیسا باید قسمتی از خسارت انسان گرایی بر ازدواج را بعهده بگیرد. بزرگترین صدمه از جانب کسانی است که در نام عیسی مسیح، از فرآورده های دنیا استفاده می کنند. تأصف این جا است که نه مصرف کننده از عواقب چنین کاری آگاه است و نه دست فروش آن. حتی فکر می کنند کار درستی را انجام می دهند، و با وجود نیت خوبی که دارند، ضربه بزرگی را به کلیسا می زنند. کلیسا از اعضا و خدمت گذاران خود را با عواقب این کار ها آشنا نکرده.

نقل مکان و گمنامی

در دورانی که زندگی می‌کنیم، نقل و انتقال از شهر به شهر دیگر و محل به محل دیگر معمول و متداول است. بسیاری از مردم خود را در محل زندگی غریب می‌شمارند. در میان این افراد مسیحیان نیز قرار دارند. بسیاری کشور خود را ترک کرده و در ”غربت“ زندگی می‌کنند.

جوامعی از اشخاصی که در محل زندگی خود ریشه دار نیستند ایجاد شده. در این جوامع است که وسوسه به گمنامی ایجاد می‌شود. چنین موردی را امروزه بیش از هر زمانی متداول می‌بینیم. گمنامی نیز وسوسه خلاف کاری را ایجاد می‌کند. کسی نیست که آن‌ها را تشویق به رفتار صالحانه کند. ضمن آنکه در اطرافشان فشار هائی وجود دارند که آن‌ها را به جانب خلاف کاری تشویق می‌نماید.

خواست خدا هیچ وقت این نبوده که تنها و گمنام باشیم. خواست خدا همیشه این بوده که در جمع ایمانداران زندگی کنیم و یکدیگر را در راه کلام خدا تشویق نمائیم. خدا از یکایک فرزنداناش می‌خواهد زیر نظر مشایخ کلیسا باشند تا در صورت لازم، از برکت انضباط روحانی کلیسا نیز بهرمنند شوند. خدا خود می‌داند که در این دنیا غریب خواهیم بود و به همین خاطر این امکانات را فراهم ساخت(۱). نباید این امکانات را نادیده گرفت.

در نتیجه، بهانه‌ای برای زوج مسیحی که دستخوش منجلاب این دنیا شده‌اند نیست. احتیاج ندارند برای پیشبرد منافع خود با اشخاص با نفوذ و پر قدرت محل تماس حاصل کنند چون راهنمایی را خدا برایشان، هر جا که باشند، فراهم ساخته است. بعنوان فرزند خدا، در هر نقطه از دنیا که باشند خانواده دارند. مردم می‌گویند این مسیحیان بدون آنکه با هم معرفی شوند یکدیگر را می‌شناسند! این امکانات را خدا برای مسیحیانی که خود را در غربت می‌بینند فراهم ساخته است (چه در کشور خود یا کشور دیگر). ممکن است محلی را که در آن زندگی می‌کنند را مال خود ندانند، اما محلی برای خود در بهشت خدا دارند.

اما بسیاری از مسیحیان از این امکانات استفاده نمی‌کنند. مانند نوح، خیمه خود را خارج از شهر و روبروی ”شهر سودوم“ بنا می‌سازند. چشمانشان بسوی وادی اردن است که سیراب است (پیدایش ۱۳: ۱۰). جای راحت را می‌جویند. کلیسا را در رطبه عالی زندگی خود نمی‌گذارند. در نتیجه زندگی را با سختی پیش برده عضو کلیسای ”روشنفکران“ می‌شوند و یا کلاً به کلیسا نمی‌روند. سپس مانند لوط، هر روز روحشان آزار می‌بیند و نهایتاً بر زندگی زناشوییشان اثر گذاشته آن را نابود می‌کند. هیچ مسیحی نباید به شهری که در آن کلیسای کتاب مقدسی نیست (پیرو تمام کلام خدا) کوچ کند. نفوذ های دنیا بقدری قوی هستند که شخص مسیحی به تنهایی نمی‌تواند در مقابل آن‌ها بایستد. بخاطر همین است که خدا کلیسا های کتاب مقدسی را برای ما فراهم ساخته. درست است که کلیسا ضعیف است، و فرآورده های نادرستی را فراهم می‌سازد. اما در بیشتر کلیسا ها، تعدادی مسیحیان اصیل و با تجربه از کلام خدا پیدا می‌شوند که می‌خواهند زندگی بهتری داشته باشند و خانواده شان را قوی کنند. زوجی که خود را از تماس با کلیسای حقیقی خدا (پیرو تمام کلام خدا) باز می‌دارند، از فواید آن نیز دور می‌مانند(مزمور ۱۰۳: ۲). مشاوران باید معلوم کنند، متقاضیانی که عضو کلیسای دیگری هستند، کلیسای کتاب مقدسی هست یا نیست.

رسانه ها

اگر بخواهیم یک نفوذ عمده و دائم که بر هر مسیحی حمله می کند را نام ببریم، آن رسانه های خبری و سرگرمی است. مسیحیان بطور دائم تحت نفوذ این حملات هستند و باید دائم با آن ها مبارزه کنند. به هر سوئی که بنگرند؛ روزنامه و مجلات، رادیو و تلویزیون، کتاب و اینترنت، زیر بمباران عقاید، رفتار، و طرقي از زندگي مي باشند که مخالف کلام خدا است. هیچ راه فراری از این حملات نیست. متقاضی باید بداند که بطور مثال، یک برنامه تلویزیونی تنها مربوط به آنچه به ظاهر دیده می شود نیست، بلکه با زرنگی، شامل تبلیغ دیدگاهی است که می خواهد پیرو آن شود. در حقیقت مسیحیان باید بطور دائم در حال ارزیابی همه چیز بر دور و اطرافشان باشند. این کار ساده ای نیست. او نباید مانند اشخاص دیگر به آنچه در مقابل او ظاهر می شود اهمیت ندهد و آن را جزئی از زندگی روزانه بشمارد. او باید همیشه مراقب باشد، حتی در کلیسا (آنچه گفته و دیده می شود با کلام خدا مطابقت دارد یا نه). مسیحیان تنها افرادی هستند که توانائی پرهیز از آنچه می خواهد عقایدشان را تغییر دهد را دارند. این موردی مهمی است که مشاوران باید به متقاضیان بگویند.

متی ۲۶

۴۱۱: بیدار باشید و دعا کنید تا در وسوسه نیفتید. روح مشتاق است، اما جسم ناتوان. (۲)

بسیاری از زوج ها مراقب اوضاع و احوال خود نیستند. هر چه دنیا به خوردشان می دهد را قبول می کنند. زیان عمده این محصولات جانب زنان دار را گرفته و از طریق مجلات و برنامه های تلویزیون (حتی مسیحی) اراعه می شود. اگر فکر می کنید این برنامه های تبلیغاتی اثری بر روی زندگی کسانی که آن ها را می بینند ندارد کوتاه فکری شما است. در یکی از جلسات دعا، خانمی از من خواش کرد برای خانواده ای که دچار مشکلات زیادی شده اند دعا کنم. از او پرسیدم این خانواده عضو کلیسای ما هستند. گفت خیر، خانواده ای در یکی از سریال های تلویزیون هستند! این خانم نظرش به حدی جلب این سریال قرار گرفته بود که فرق میان واقعیت و غیر واقعیت را فراموش کرده بود. البته ما نمی توانیم از تمام حملات رسانه های گروهی خود را در امان بگذاریم، ولی دو کار را می توانیم انجام دهیم:

۱. تماس خود را با این رسانه ها به حد عقل برسانیم
۲. هر چه توجه و علاقه ما را جلب خود می کند را ارزیابی کنیم (۳).

راجع به تمرکز که رسانه های گروهی بر روابط جنسی، خشونت، پائین آوردن عقاید مسیحی، و بالا بردن ارزش های هالیوود دارند نیازی به صحبت نیست. ولی باید تأکید بر آن کنم که مشاوران ازدواج درجه ارزشی که این نفوذ ها برای هر یک از طرفین دارد را بازجویی نماید. آیا سقط جنین را بعنوان راه حل مشکل بچه داری پذیرفته اند (۴)؟ آیا افکار و عقاید جمعیت زنان آزادی خواه را قبول کرده اند و شغل، حذف، و حویت مختص به خود را بدست آورده اند؟ آیا خود را حق بجانب می شمارند؟ مشاور باید بتواند تأثیر این عقاید بر زندگی زناشویی را به زبان آورد و ایشان را نسبت به نفوذی که بر زندگی شان گذاشته آشنا کند. شاید لازم باشد تعدادی از برنامه های تلویزیون را نگاه نکنند، و در جای آن به بحث راجع به آیاتی از کلام خدا بپردازند. بیاد داشته باشید که تنها حذف گناه کافی نیست، بلکه جایش را باید با نیکی پر کرد. اساساً باید به زوج آموخت که همیشه در حال ارزیابی آنچه می بینند و می شنوند باشند، خصوصاً در رابطه با برنامه های تلویزیون.

در این رابطه رسانه های خبری را نیز نباید نادیده گرفت. اخبار جهان حاکی از سقوط دنیائی است که در آن زندگی می کنیم، و در حقیقت هر چه میبینیم و می شنویم گواهی آنچه خدا در کتاب مقدس گفته می باشد. سیاست موضوع وسوسه آمیزی است که مسیحیان را تحت تأثیر فراوانی قرار داده. مشاوران باید با موضوع بحث راجع به اخبار دنیا و خصوصاً سیاست کشور های مختلف هشدار دهند. این ها مواردی هستند که زیربنای گناهان مختلفی را تشکیل می دهند. ممکن است بحث راجع به سیاست موضوع چندان مهمی بنظر نیاید، ولی باید نشان داد که چیزی جز شایعه و طرق مختلفی که شیطان بر زندگی مردم اثر می گذارد نیست. زن و شوهران مسیحی (خصوصاً مسیحیان ایرانی) را باید نسبت به وسوسه بحث سیاسی و تأثیری که بر افکار و عقایدشان می گذارد آگاه کرد. باید از اظهار نظر راجع به چنین موضوع ها اجتناب کرد و اگر لازم باشد دیگران را از وسوسه صحبت راجع به موضوعی که اطلاعات کاملی ندارند آشنا کرد. وقتی یک مسیحی به راحتی راجع به موضوعی که اطلاع کامل ندارد صحبت می کند، و عقیده ای را بر مبنی اطلاعات محدود بدست می آورد، بی کفایتی عقیده خود را بی اهمیت ساخته و تصمیم گرفتن راجع به موضوع های دیگری که اطلاعات کافی ندارد را مجاز ساخته است. نادیده گرفتن نفوذ های اجتماع بر زندگی زناشویی عواقب خطرناکی را دارد.

فهرست زیر نویس های فصل دوازدهم

(۱) مسیحیانی که دسترسی به کلیسا ندارند، باید از طریق اینترنت با کلیساهایی که به همین منظور بنا شده اند تماس حاصل کنند. نمونه خوبی از این کلیسا این است:

<http://kelisa-iranian.com/>

<http://www.farsinet.com/iccsd/>

فیلتر شکن

۱. http://kelisa-iranian.com/index.php?option=com_content&view=article&id=296&Itemid=81

۲. <http://www.brothersoft.com/filter-download-210189.html>

(۲) “بیدار باشید و دعا کنید” به عبارت دیگر یعنی “مراقب باشید و دعا کنید”.
(۳) مشاور باید بتواند به متقاضیان کمک کند تا جمیع این نفوذ ها را ارزیابی کنند و به این طور زمینه مبارزه با آن ها را بدست آورند. همچنین باید بتواند چاره برای هر یک چاره ای را پیشنهاد کند.
(۴) بطور مثال، جنین به جای انسان به دنیا نیامده. انسان به دنیا نیامده را “مجموعه سلولی” یا “محصول حاملگی”، و یا “بافته جاندار” نامیدن سعی بر آن دارد نظرات خدا را راجع به حاملگی رد کند. این ها کسانی هستند که چنین عقایدی را رواج می دارند و از “حق انتخاب” هر شخص صحبت می کنند و آن را پایه عقاید خود می شمارند. معتقدند “حق انتخاب” شخص، هیچ محدودیتی را ندارد.

تکلیف

خود را برای بحث راجع به نفوذ هایی که اجتماع بر زندگی زناشویی دارد آماده کنید. چگونه زوجی را با تأثیراتی که اجتماع بر زندگی زناشویی دارد آگاه خواهید کرد؟ راه این کار را با ترتیب شماره بندی شده بنویسید. ارزش های اجتماعی که در آن زندگی می کنند چیست، و چه فرقی با ارزش های خدا دارند؟ چگونه یک زوج می تواند در برابر حملات اجتماع مقاومت کند؟ هر یک از این موضوع ها را با ترتیب شماره بندی شده روی کاغذ بنویسید.